

به نقل از : نشریه پیام فدایی، ارگان چریکهای فدایی خلق ایران، شماره ۱۴۰، بهمن‌ماه ۱۳۸۹

## محمود خلیلی: «چهار فصل سیاه‌کل»



### «زمستان»

در زمستانی بس تاریک و سرد  
دیلمان را در نور دیدند  
با کوله‌باری  
مملو از شقایق‌های سرخ امید  
با دل‌هایی پُر امید، رفقائی چون صخره‌ها  
در دل کوه و جنگل و شهری چون کویر  
ساقه‌های ناامیدی را درو کردند  
دانه‌ها و جوانه‌های عشق کاشتند  
آتششان سینه‌هایشان

از چیتگر و اوین  
شراره‌های عشق بر جان و دل  
تندری بردمید از خانه و کارخانه  
تا بهمن خروش خشم طغیان  
هزار هزار چشمه جوشان  
فریاد گردد  
بساط یأس و حرمان برچیده شد

\*\*\*

## «بهار»

این بار بهار در بهمن به بار نشست  
این بار بهمن بهار شد  
صدای شورا در کارخانه  
سرود رود در کوه  
نوای عشق در شهر  
در جستجوی ایرانی سیاه‌کل شده  
فریاد توفنده سعید فدائی در میدان آزادی  
این بار ما در بهار از مارپیچی  
با هزاران افعی که نگهدارش  
فرخ سرمایه بود  
بی‌مهابا گذر می‌کردیم  
یأس و جدائی و حرمان  
از منفذ پوست‌مان هم گذر نمی‌کرد  
و راهی در قلبها نداشت  
کردستان خونین، گنبد خونین  
انزلی خونین، خوزستان خونین

مقاومت، مقاومت  
ز حمتکشان مداومت، مداومت  
دوباره طغیان بلند داد  
سر داد در بهار، فریاد  
گرگان به قامتشان ردای میش کشیدند  
دستان خونینشان  
با حریر سبز  
پیغام بهار را به  
جلاد سپردند  
تا بقای سرمایه را تضمین کنند  
دوباره سنگفرش گلگون خیابان  
شتک خون بر در و دیوار  
از اوین و گوهر و حصار  
با تن‌های تبار و بیمار  
این بار در اردوگاه مرگ  
کهریزک، بی مرز، بی حصار

\*\*\*\*

## «تابستان»

به تابستان رسیدیم  
دوباره سیاهکل‌یان در بند  
دوباره دار و شکنجه، دوباره کشتار  
تابستانی که با تیر شروع شد  
تابستان تیر، تابستان حمید فدائی، تیری بر گلو  
تیری بر دهان، تیری بر سینه  
عاشقان زمان

دوباره تابستان، آبستن جنون  
با پاسدارانی کف بر دهان  
هزاران جوخه آتش  
تیر، مرداد، شهریور  
هزاران طناب دار  
هزاران چشمه جوشان  
از سهند و سبلان، آبیدر  
دنا و البرز و زاگرس و تفتان  
تا سرزمین بلاخیز خوزستان  
زاهدان، گیلان، دیلمان  
سرریز شد به دشت خاوران  
یاس و جدائی و حرمان  
از منفذ پوستمان هم گذر نکرد  
و راهی در قلبها نداشت

\*\*\*\*

« پائیز »

و پائیز

پائیزی سرکوب و کشتار  
با صفحات خون گرفته روزنامه‌ها  
و پاسداران مسلح به سلاح‌های سنگین  
توابعین، توده‌ای، اکثریتی  
کمین در گذرگاهها  
برای شکار شقایق و زنبق و نسترن  
برای قتل عام شاخه‌های بهار  
سایه‌ی سکوت و مرگ

صف بلند اعدام  
از تپه‌های اوین  
تا روستاها  
زندان، شکنجه و اعدام  
یاس و جدائی و حرمان  
از منفذ پوستمان هم گذر نکرد  
و راهی در قلبها نداشت

\*\*\*\*

## «دوباره زمستان»

دوباره زمستان  
دوباره بهمن  
در انتظار  
که تندر سرخ کارگر  
برکشد، خروش سرخ بهار

چهار فصل سیاه‌کل، چهل‌ساله شد  
بهمن‌ماه ۱۳۸۹